

مسئول اول سازمان مجاهدین، سعید در هدی :  
 تا زمان هر چه از حاکمیت شما کمزریت محرف (اپر تو نیست) بر سازمان بگیرد، تا چه آنکه در احوال  
 روزگار و گفتار و در دیگرها همچون ای افتخار برای سازمان بیاورد و بعد از آن در هر چه بود که گفته و  
 میگردد... و به نظر که بخوبی میدانید و شایسته هستید، با آنجا که روشهای پراگماتیستی - اپر تو نیست  
 روشی بر روش با بحث به اعتباری سازمان در بین مردم و گروهها و عناصر فرتق و انقلابی... شده و  
 اعتماد و اطمینان آنان را نسبت به سازمان، که بهترین سرمایه کسب کرده و با طرف... انقلابی  
 است از بی بردن و میرید... با آن تا نصف دست نکات و اعمال در رفتار و گفتار و خلاف اول  
 انقلاب و اساسی است، به دست گردیده تا مدتی بدون احساس مسئولیت لازم و همت فزون نهادن  
 صادق و راستین سازمان، بجای اینکه شما را کمزریت اپر تو نیست را انجام دهد اعمال و رفتار آنان...  
 مورد عتاب و خطاب قرار داده و انتقاد کنند، کل سازمان را گامها غلط قرار داده و  
 آنرا «لجن زار شروع و همت و فریب» بنامند... خلاصه اعمال و شیوه می اپر تو نیست  
 در ابعاد مختلف کمزریتی یافته و در زوایای گوناگون خود را بنمایش میگزارد. لذا اینها خود  
 و دیگران را بهم (البته نه هم را) با خود بجائی که میروید که نده و تکلیف نده...  
 باید بگویم، با آنکه روش پاره میگردد، عمده بی باطنی اعتماد ساده لوحانه و بی فرصت طلبانه...  
 در کار برد این شیوه در روش با شما هم و هکذا هم شده و با کمزریت خود کلا در این دست چکیت یعنی  
 بی بهره ای اعتماد و بی اعتباری و اینگونه شدن... سازمان چه در بین افسار و کلمات مختلف مردم

و هواداران در چه دربی گردانند و عناصر فرتق و انقلابی، به شما شکر و بار و بوردند در...  
 حال نیز اهم بجای دو مورد، در رابطه، در و چنانی کتبی شما (کمزریت) (نظیر آنچه در گذشته گفته و نشان دادیم)  
 که باعث کاهش همت و اعتبار سازمان در بین مردم... شده و عقوباتی که کم...  
 یکی از روستای همدان بعد از مطالعه مقاله زندان و زندانی شماره ۲۴ (۱۹ مرداد ۱۳۰۳) در ۱۳ آذرماه ۱۳۰۳  
 «دینا گزاردن الف: از دریغ بیگناهم»، از روی میسرید که آنگاه گزارش کنیم از زندان تبریز خواننده ای  
 که در پنج سید و هفتاد، نه، و سی و یکمین سید و هفتاد و هشتاد و نه، و سیداران سبز کبریا  
 را در برابر دیدگان همت زده دیگر زندانیان از تن جدا کرده و در دست گرفته و روزی زندانیان مکان  
 سیداده... در این بیگناهم که از زندان تبریز فرار کرده و در سراسر همدان «اکبر» در زندان  
 تبریز برده... نوشته که «اکبر چو چو» را از زندان برده و بگردد بسته و کسب میهنه... و نسبت  
 به این دروغی که مجرب نوشته بود انتقاد میکرد...  
 بعد از شنیدن این جریان با توجه به سوابق که هر از قبل و هر در جوانی کرده و چه بعد از آن از شما  
 در رابطه با گفتن دروغ، تحریف و همت... در احوال، بیگناهم گزاردن بیگناهم زندان تبریز  
 بر داشتیم، چون قبلاً مجرب نوشته بود که «سیداران سبز سید» «اکبر چو چو» را جلد دیگر زندانیان  
 از تن جدا کرده... که بخش این جریان در میانه، انعکاس وسیعی در بین فرتق داشت...  
 وقت جریان شهادت سعید، «اکبر چو چو» و «سعید» «مجید» را که در عصر ۱۸ و ۱۹ مرداد ۱۳۰۳ در ۱۳ آذرماه ۱۳۰۳  
 ملک کردیم و شهادت کردیم ایرج بیگناهم، کم، با سعید «اکبر» و «مجید» در زندان تبریز ۲۴ شهریور و

و یکی از دلایل آن برده که وصیت شفاهی اکبر را معتبراً ندانند... وقتی بر این شهادت اکبر تجدید  
 را تعریف میکنند ۱۸۰ درهم با آنچه که قبلاً در عهدی پذیرفته شده بود فرق دارد...  
 لذا به شماره ۴۴۱ قبل از این هم مراجع بود و وقت گزارش مستنداً شهادت اکبر و دو نفر دیگر را که در  
 آن شماره ۱۲۷ مورخ ۱۰ شهریور ۵۲ در صفحات ۸ و ۲۵ و ۲۹ نوشته بود را ملاحظه کردم تعجب من  
 بیشتر شد چون مشاهده کردم مطابقت در رابطه با شهادت اکبر و سایرین و همچنین در مورد  
 نوشته (مطلبی که بعد از آن در روزنامه «اکبر» آمده است) و بعد از آنکه در مورد  
 تحقیق با آنچه که در این مکتب ۱۰ شهریور ۵۲ در مجامع ۲۰ و ۱۹ نوشته شده است...  
 باید بگویم دو گزارش باید از این تناقض و تضاد است که اگر اسامی دو شهید «اکبر» و «محمد»  
 را از زمین هر دو گزارش حذف کنیم و گزارش‌های دیگر را که نمیتواند تشخیص دهد که این دو گزارش  
 بیک حادثه واحد و چون شهادت دو نفر است که در زمان تقریباً و در یک زمان ثبت شده  
 و این امر... و نقل گفته که هم تا زمانه که در این زمان که در زمان انقلاب است...  
 آنچه بدون هیچگونه توضیح (اصلاً) ... و با همان تألیف شوم مردم که حرف در دست همدم و  
 در است و بی بود...  
 (حال برای اینم تعداد و تناقضات این دو گزارش را از شما با ملاحظه کنید زیرا که اینها به  
 پیوسته در حال میارم... )... شده که یک جنبه جدید کرده است و در واقع شهادت  
 است که به نظر من هرگز آنرا مطابق خط و بزه نمی... کرده است... در گزارش مستند شماره ۲۹

۱۳۲ نوشته شده... و مدار بر جنبه عدم لیدی «اکبر» برداشت و گفت: تا فریب از نظر مردم بر می آید...  
 بر جنبه «مطابقت»... «اکبر»... دست راستش را کرده کرد و بالا آن سرش برد و مدارش در فضا...  
 «گرد بر جنبه»... در روز... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»...  
 که مطابقت بر روی شهادت در دست و است بالای سر «اکبر» رفت و بعد که از دور بخورد می بیند نگاه کرد و گفت  
 بگذر که بر جنبه: اکبر بخورد می بیند و ناگهان «گرد بر جنبه»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»...  
 لذا است و شرح به تکلیف کرده... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»...  
 و بعد از آنجا روان میدان ابرام میزند... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»...  
 «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»...  
 «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»... «اکبر»...  
 حال سوال است، و برای آن تعدادی چهره در دست و چند نفر جنبه بدین وسیله شهادت می آید؟  
 هر جنبه، همین کیفیت است و آن بزرگ دریم و در دست و اینگونه شد؟...  
 اصول و روشی که در این انقلاب و انقلاب بدون است...؟...  
 این قضایات در طول مساله ترکیب شده و هم چنان میسر... که برای آن شان دادن چهره...  
 و سلطان این دریم... همین داشتن داشتن شده است...؟...  
 و این سینه... و آنکار شدن اصل واقع... هیچ جنبه ندارد و گزارش را تعجب مردم...؟

آیا شما، اینکه زبان من تزار است درست و واقعاً مستند در زبان است که از قبایع است و وقتیکه  
در این خردون و سلیقه منی منتظر شده و میگرد و فکرم کند، را بنویس سوال نبرده و بپرسید؟

آیا شما، اجمال همین شکره کوش و اعتبار و اعتماد هم را نسبت به صداقت سازمان در تالیف و یادگاش  
نداده و نپرسید؟ ... که داده دید ... ؟

آیا کار برد این شکره هم بخیر است هر چه بخیر است بعد از آن، هم سینه اند، بپرسید؟ ...  
مسئول و مسئولین و ادکی زندگان ... این نوشته‌هاست تصافقت ... کتب و کتب ... ؟

در شب و شبم خبر نزاره، خبرم نمی‌راند و تمام شمالی و وقت کنه شکره می‌رند، بقیه برقی و در  
بودن خوب و منتظر شد، تکلیف اخبار دشمنان ...

حال نوزده دیگر: در نزاره به مردم در رابطه با بنی صدر و اطلاعات ... در وقت اول (مجموعه  
۲۲۳ مورخ ۲۰/۷/۳۳ ص ۳۷) برای اینکه شبانه شبانه که در ترجمه قسمتی از نامه بنی صدر

در نشریه فزاندی زبان ایران (لیبرالسیون)، انجا داده اند، لا یشی و ما شمالی نماید ... نزاره  
... در نشریه فزاندی زبان ایران (لیبرالسیون) (اولیقه به این دانستیم) سازمان ایرانی در

خالد - همداران (مجموعه) همین نامه است به همین را گفته بوده و قسمتی از آن را ترجمه کرده اند ...  
آنها را کولتیت خوف) من المصروف شخص فدست، این در و فکرم می‌راند چه برنده سازمان است؟

که آورده ای، آیا می‌تواند این می‌خواهد؟ بحث اینو که اشون سازمان در این روز ... و انتفا ...

اعضای و همپاها و همداران ... کسی؟ آیا به این شکره و در سکا، که شکره هر ایدر تزار است،  
بنیادهن اعضا و همپاها ... را بچه بکن ... و از آنجا خبر باری ... ؟

بعضی که من نمی‌دانند که شکره فزاندی زبان ایران (لیبرالسیون) و شکره شکره است به زبان خارجی،  
متقی را بر نظر شما (در وقت) سازمان و لیبرالسیون «صدی فدائی صفت» و دیگر اعضا و کارکنان

سازمان اینهم سینه در حال از آنکه در همه جا بیع است که در این و چه شکره است تا ما را بر نظر  
رکیزت سازمان و بزرگو گفته و نظرات و افکار رکیزت سازمان است و این اسم ...

بیش نیست جای خود ... و صرفاً فقط کارهای اولی، از قبیل ترجمه، چاپ، توزیع  
... بعد از اعضا و این است، ولی اعضا و این و تمامی که نیم در وقت (نزاره) ترجمه و چاپ و

... شکره است ایران (لیبرالسیون) هستند بعد از فدائی که همین درونی آنهم به نظر سرپرست نهاد  
روی دعوی و ترفی که به ستر شکره افودت و همدی اینهم می، مسئول متقی شکره است سازمان از وقت  
رکیزت) این هم رنده و با ترجمه فزاندی ... چه فکر کرده و سینه؟

چه یکس العلی در رابطه با این در و فکرم و ترجمه و تدوین ... از فردت ان فزاندی بار؟  
و در دست، دست از سازمان کناره بگیرند، که بگیرند ... و از آن عده هم که جا بدلیل ...

دست زبان و این باقی مانده اند، هر یک فته شده و سینه ... و در نزاره به از اب در فزاندی  
... اینها دیگر مردم بی اطلاع از صفت سازمان و روابط تکلیفاتی هستند ... (اینک که)

که تسقیم در فزاندی با سوا و سوا ... ما سر و کار دارند و از روابط و فکرم تکلیفاتی خبری مطلعند

بناظره که می بینیم، بحث بر سر کتب اهل حق ندارند و در دو کتاب ما را به این طریقی اهل حق و به این طریقی اهل باطل آورده اند. ... و در سبب نیت، بحث بر سر فقط همان اعضا و نفعاتی است که دست اندکاران این دین و انجمن ایران می درازند و در دیگر کتب هم بعنوان عضو و بهر اداواران هم چنین است می باشد که از کم و کیف این روابط، اهل حق که در این استحضار و کم و کثرت گرفته اند ... نیز بدین خاطر است ... و قیاس عقده انجمن بلا فایده است در این دین انجمن انجمن انجمن ... می از کار هم به بالای سازمان قرار دارد و در میان شما می باشد و در این ملاکون سازمان اهل حق انجمن ... می در وقتها هم کار هم اصل انجمن در وقت دیگر اعضا و سازمان است که از ایران با این آورده ایم، (که همه از آنها را بکنند) آورده بودید ... که تعداد آنها بعد از اعضا در اول ... بیشترین تعداد دولت و در گمان مکتوبه را تشکیل میدادند تا در آنها غیر از کار هم می اوردی و در این و منتهی ... مستوفی ندارند، ولی کار هم آنها بود و در این آنها هم کرده شد ... دیگر هرگز سیران استوار است، این در وقتها را آنها از مسئولان اول سازمان شنیده و تأییدی در وقتها شده اند ...؟ و در نتیجه یکی اهل حق می باشد و یکی که است همسایه ... از خود بر ندهند ...

فرویت به بیان استحضار و کم و کثرت ... اعضا و انجمن در این مدتی که همکاران نیت (بناظره) می اورد و کار هم اصل انجمن را بدست اعضا و کار هم مسئولین سازمان برده اند، و کار هم بر خود را می کرده ایم و کرده اند ... به ندرت می باشد که از اثرات بر خود هم می اورد این حرکت به نیت ...

آن نیت و غیر آن بر فرد و بندگان فرد است نه همه ما هست شما نیت است ... در هر یک شماره ۱۷ صفحه ۱۲۴ در هر ۵۴ فصل بیخ اهل حق و انجمن و انجمن ... در هر یک شماره ۱۷ ... اما در و برای دین کثرت می باشد، نیتی مراقبت و بجه خاطر آن کنیم که در سلامت سر هم ... آن شماره اصل سر هم می باشد مندر عقده انجمن است تردید داریم و هم این مراجع ... استند از سر هم عقده انجمن است که نیت گرفته و کار از هر عقده شکوک است، سند از این و از این و از این و انقلاب در کتب و عقده انجمن در این نیت هم در این رابطه هر یک در وقتها است در وقتها است و با روشی شدن سر هم مراجع مندر انقلاب این کرده از ادای روابط نیت با آنها بر همین ...

برای نیت، اگر شما خبر دقیق و از دست و مدارک عقده در رابطه با نفوذ عقده شکوک در وقتها و هر یک نیتها را مطلقاً است و داریم، اولاً و در وقتها و مدارک خود را با زمان هر یک نیتها در وقت نیت ندهد ... که نیت هم به آمدن و مدارک کامل انجمن و در وقتها شکوک بر این عقده و نیتها نیتها از این سر هم مندر انقلاب است ...

و اما در وقتها و مدارک کامل انجمن را داده، و آن از عقده شکوک ...

فرد در وقت ندهد ... و واقعاً در وقتها در این نیتها است و در وقتها نیتها در وقتها است ... که ... در وقتها است و در وقتها است ... که ... در وقتها است و در وقتها است ...

چونکه این نیتها در وقتها است، و این را هر یک در وقتها است و در وقتها است و در وقتها است ...

سواد در تقابل آن است و در همین خاطر بود که از کتابه کبری این از لغو ... در مجلد ۲۰  
 مورخ ۲۹ شهر اردیبهشت در آن مکتب گواهی نموده و نوشته ... اکنون سینه این مکتب گواهی ما را ...  
 مورخ ۱۵ - مکتب گواهی از این مکتب گواهی قسمی از آن است، در توجیه و جواب آن در ایران  
 لیب اسیران که نوشته است ... مکتب گواهی مکتب ... ۲۲۴ مورخ ۲۰ شهر ۵۴ هجری  
 و قصد مسوی نمودن اذهان و آن روشیه در ذهن خواننده و شنونده را نداشتند و بنا بر این  
 قرآنی که بنا بر این ملامت سوال پیرید و چرا اسناد و مدارک آن را منتشر نکرده و تکلیف ما  
 رهبریت سازمان پرکامی فدائی و مکتب گواهی «بشتر از آن» شده و نیز در سوره ...  
 حال تقیض در تب بردن (اطلاع) شما از مکتب گواهی در درون رهبریت و یکبارگی فدائی خلق، از این  
 به فرودگاه با آنها چه فرقی با پروردگار برتر است که چه نام در سال ۱۳۵۵ در زندان (الله) است اینها  
 بیافریند که یکبارگی فدائی خلق، که به دست ضرب خوردن آنها شده دارد؟ ...  
 تو همین در این باره قسمی از زیر لایه مکتب ۵۰ و ۵۱ مکتب گواهی بی سینه این مکتب گواهی است  
 را نقل کرده با ملاحظه کنید هیچ وقت بی این مکتب گواهی در سوره بر خورد و همه چیز را نشانه نیست  
 ... در مکتب گواهی این مکتب گواهی است تا در تبال پرکامی فدائی بعد از شکست مجید خلق به مکتب گواهی  
 بی سینه این مکتب گواهی است تا در زندان (اطلاعات است) بی سینه این مکتب گواهی به فدائی گرفته تا این مکتب  
 خواندن آنها و قطع کردن آنها بی سینه تصاد اعلمی در روزی هفتاد ... به سینه این مکتب  
 تب نموده جریان ندادن (اطلاعات لازم) یکبارگی فدائی این است که سازمان مکتب گواهی را منتشر و ...

تفتیب یک سیم از زندان بیان متقدم کرج (فروردین سال ۵۴) بر سیم فاضلین (سینه) در تب مطلع شده بود و در  
 ساوگ بلبرنگ تغذیات پمپیده ای که در سیم ۴۱ فروداده بود از آنجا سازمان به دین کمال خود  
 نیز در تب کا دانسته به خبر پروردگاری بگفتند و سیم چهارم از زندان دین (الله) است یکبارگی فدائی در تب  
 که نهایتاً خبر به خبر پروردگاری فدائی در سینه کوشاکت سینه پروردگاری شد، وقت سینه این مکتب گواهی که در آن  
 در تب تقیض شده و برای اصلاح حل شدن ایده و سیم فرود آورده است به یکبارگی فدائی در تب  
 (و که هنوز به سینه این مکتب گواهی است) سینه این مکتب گواهی در برابر فدائی با پروردگاری  
 مسکینه، رالفش ۲۰۴، جواب سینه و در آن چون آنرا باید نوشت هفتاد (الله) است و یکبارگی فدائی  
 دسیم، استقلیه سینه، مجری سینه و اطلاع است این که سینه این مکتب گواهی در تب این مکتب گواهی  
 سینه فدائیان قادر دارا، مهر ۳۰ و ۳۱، تقیض این مکتب گواهی سینه این مکتب گواهی ...  
 ملاحظه کرده هیچ وقت مکتب گواهی را پروردگاری سینه این مکتب گواهی در تب این مکتب گواهی  
 این تب این مکتب گواهی که سینه این مکتب گواهی است که سینه این مکتب گواهی سینه این مکتب گواهی  
 سینه و در تب این مکتب گواهی سینه این مکتب گواهی است که سینه این مکتب گواهی در تب این مکتب گواهی  
 و سینه این مکتب گواهی سینه این مکتب گواهی است که سینه این مکتب گواهی در تب این مکتب گواهی  
 این مکتب گواهی سینه این مکتب گواهی است که سینه این مکتب گواهی در تب این مکتب گواهی  
 گفته، به سینه این مکتب گواهی سینه این مکتب گواهی است که سینه این مکتب گواهی در تب این مکتب گواهی  
 این مکتب گواهی سینه این مکتب گواهی است که سینه این مکتب گواهی در تب این مکتب گواهی

